

تاثیر مهاجرت بر آموزش و مهارت‌های نیروی کار افغانستان:

مطالعه موردی مهاجران بازگشته از ایران

سعید عیسی‌زاده^۱

عزت‌الله عباسیان^۲

احمد ضیاء نوری^۳

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۵/۰۱

تاریخ ارسال: ۱۳۹۷/۱۲/۲۰

چکیده

وجود مرز مشترک، اشتراکات زبانی، مذهبی و فرهنگی میان افغانستان و ایران شرایطی را فراهم کرده که حدود ۴۳ درصد مهاجران افغانستان در کشور ایران سکونت گزینند. از سال ۱۳۸۱ روند بازگشت اختیاری مهاجران افغانستان از سطح جهان به کمک کمیساری عالی پناهندگان سازمان ملل متحد آغاز و تاکنون بیش از ۶/۲ میلیون نفر به این کشور بازگشته‌اند. هدف این مطالعه، بررسی سطح و نوع مهارت‌های کسب شده این مهاجرین در کشور ایران و در نتیجه امکان اشتغال آن‌ها در کشور افغانستان است. در این راستا با استفاده از داده‌های پرسشنامه‌ای به بررسی تاثیر مهاجرت به کشور ایران بر آموزش و کسب مهارت‌های نیروی کار افغانستان در بازه زمانی ۱۳۹۶-۱۳۸۱ پرداخته شد. نتایج تحقیق حاکی از آن است که مهاجرت به کشور ایران بر میزان فراگیری آموزش و مهارت‌های نیروی کار افغانستان اثر مثبت و معنی‌داری دارد. همچنین مهارت‌های فراگیری شده توسط مهاجران در بازار کار کشور ایران، سطح سواد مهاجران بازگشته از کشور ایران، فرصت‌های فراگیری آموزش و مهارت برای مهاجران در کشور ایران، نوع حرفه مهاجران در کشور ایران و مدت اقامت مهاجران در کشور ایران بر نرخ اشتغال مهاجران بازگشته در بازار کار کشور افغانستان اثر مثبت و معنی‌داری دارد. براساس یافته‌های مطالعه، بین نوع حرفه مهاجران در بازار کار کشور ایران و میزان درآمد آن‌ها، قانونی بودن روند مهاجرت و فرصت‌های آموزش و مهارت در کشور ایران رابطه معنی‌داری وجود دارد. همچنین مهاجرت برای خانواده‌های مهاجر درآمدزا بوده و از مهاجرت به کشور ایران راضی هستند و رضایت‌شان بر تصمیم مهاجرت دوباره به این کشور تاثیرگذار است.

واژگان کلیدی: نیروی کار مهاجر، بازگشت‌کنندگان، آموزش، مهارت، اشتغال

طبقه‌بندی JEL: J24, J31, J61

۱- دانشیار گروه اقتصاد، دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران (نویسنده مسئول)، پست الکترونیکی:

saeedisazadeh@gmail.com

۲- دانشیار گروه مدیریت دولتی، دانشکده مدیریت، دانشگاه تهران، تهران، ایران، پست الکترونیکی:

e.abbasian@ut.ac.ir

۳- کارشناس ارشد اقتصاد، دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران، پست الکترونیکی:

ahmadzia.noory@gmail.com

- این مقاله مستخرج از پایان‌نامه کارشناسی ارشد در دانشگاه بوعلی سینا است.

۱- مقدمه

مهاجرت پدیده‌ای است که در بطن جوامع وجود داشته، گاه حالت نزولی و گاه حالت صعودی دارد. انسان‌ها در طول حیات خود به انحاء گوناگون دست به مهاجرت می‌زنند. جنگ‌ها، بلایای طبیعی، مسائل اقتصادی، سیاسی و فرهنگی از عوامل موثر بر مهاجرت در دوران مختلف بوده است.

بنابر آمار سازمان ملل در سال ۲۰۱۷ حدود ۲۵۸ میلیون نفر کشور زادگاه خود را ترک کرده و در یک کشور دیگر زندگی می‌کنند. این آمار نشان‌دهنده آن است که از سال ۲۰۰۰ به بعد رقم مهاجرت ۴۹ درصد افزایش یافته و کشورهای با درآمد بالا میزبانی ۶۴ درصد مهاجران را - که به ۱۶۵ میلیون تن در سطح جهان می‌رسد - دارند.

پس از اشغال افغانستان توسط شوروی سابق بنابر وجود مرز مشترک طولانی، اشتراکات مذهبی، فرهنگی و زبانی با ایرانیان، بسیاری از افغان‌ها در نیمه آخر سال ۱۳۵۸ به تدریج به کشور ایران مهاجرت کردند. بعد از سال ۲۰۱۵ میلادی ۵۰ درصد آمار مهاجران افغان را مهاجرت اقتصادی کارگران تشکیل داده است که این وضعیت ناشی از جنگ‌های داخلی و تحولات سیاسی بود. با توجه به حضور گسترده مهاجران افغان در بازار کار ایران در تحقیق حاضر سوال‌هایی را در قالب سوال‌های اصلی و فرعی طرح کرده‌ایم که در قسمت بیان مساله مطرح خواهد شد.

ساختار پژوهش حاضر به این صورت است که در ادامه ابتدا بیان مساله، دیدگاه‌های تئوریک و مطالعات تجربی مورد بحث قرار گرفته و در بخش بعدی، پس از نگاهی گذرا به آمار مهاجران افغانستان در سطح جهان و کشور ایران، اهداف برنامه بلندمدت انکشاف ملی افغانستان در مورد بازگشت کنندگان، روند بازگشت مهاجران افغانستان از سطح جهان و کشور ایران، روش‌شناسی تحقیق، نتایج تحقیق و پیشنهادات لازم ارائه می‌شود.

۲- بیان مساله

مهاجرت به عنوان یک عامل موثر بر جمعیت نیروی کار، توزیع نیروی کار بر حسب مهارت، تخصص و آموزش، نرخ اشتغال، ایجاد فرصت‌های شغلی، سرمایه‌گذاری و تولید

کالا و خدمات مطرح بوده و بنا به تعریف عبارت است از: جابه‌جایی مردم از یک مکان به مکانی دیگر برای کار یا زندگی. مهاجرت یک پدیده دو بعدی بوده که سبب رشد و شکوفایی کشورهای مبدا و مقصد می‌شود و نوع تبادل فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی مثبت را به وجود می‌آوردند، مهاجرت‌ها دارای اثرات مثبت و منفی در درازمدت و کوتاه‌مدت هستند؛ این اثرات، تغییراتی را در ساختار اجتماعی و اقتصادی منطقه مهاجر فرست و منطقه مهاجر پذیر وارد می‌کنند (جوادی، ۱۳۹۶).

اثرات اقتصادی مهاجرت شامل: آثار بازار کار، آثار تقاضای کل در بازار کالا و خدمات، آثار بازار پول (نقل و انتقالات پولی)، ایجاد شبکه‌های تجاری و سهولت سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و تاثیر بر فرآیند تولید و ترکیب عوامل تولید است. آثار اجتماعی آن شامل: آثار ترکیب جمعیت، زبان، نوآوری‌های فرهنگی، انتقال و اشاعه فرهنگی، افزایش دانش و کسب مهارت‌های فنی و حرفه‌ای است.

اثرات ورود مهاجران روی بازار کار در کوتاه‌مدت و بلندمدت ممکن است متفاوت باشد؛ در کوتاه‌مدت سرمایه فیزیکی ثابت و زمان مورد نیاز جهت استفاده بهینه از نیروی انسانی برای مهاجران محدود است، اما در بلندمدت فرض تحرک انواع مختلف سرمایه پذیرفته شده است به طوری که سرمایه فیزیکی می‌تواند در صورت نیاز از یک بخش به بخشی دیگری انتقال یابد. همچنین در بلندمدت برای مهاجران این امکان فراهم است که سرمایه انسانی خویش را از طریق بالا بردن سطح تحصیلات و کسب مهارت‌های فنی و زبانی افزایش دهند (عیسی‌زاده و مهرانفر، ۱۳۸۹).

با توجه به ترکیب مهاجران، می‌توان آثار مختلفی را در کشور مبدا و مقصد متصور بود. مهاجران می‌توانند برحسب تخصص و مهارت‌های کسب شده به‌عنوان مهاجران متخصص و مهاجران ساده طبقه‌بندی شود؛ منظور از مهاجران متخصص افرادی است که با مهارت و تخصص قبلی در کشور مبدا دست به مهاجرت می‌زنند. این مهارت شامل انواع فن و حرفه‌هایی هستند که فرد در کشور خود با صرف هزینه و کسب تجارب مفید به دست آورده و با داشتن این مهارت‌ها به کشور مقصد مهاجرت می‌کند. در مقابل، مهاجر ساده عبارت است از افرادی که فاقد تحصیل و مهارت بوده و در بدو ورود نمی‌تواند در مشاغل تخصصی کشور مقصد اشتغال پیدا کند.

آثار مثبت کارگران مهاجر بر اقتصاد کشورهای مهاجر پذیر و مهاجر فرست عبارتند از:

افزایش بهره‌وری، کاهش هزینه برای مصرف‌کننده، افزایش سود بنگاه‌ها، تسهیل سرمایه‌گذاری خارجی، بهبود سطح زندگی کارگرانی که از کشورهای فقیرتر آمده‌اند، کاهش نرخ بیکاری در کشور مهاجرفرست و... (کریمی موغاری، ۱۳۸۳).

نیروی کار متخصص به عنوان یکی از سرمایه‌های ارزشمند مطرح است که در حقیقت ویژگی فردی این قشر است که آن‌ها را به سرمایه‌های انسانی متخصص مبدل کرده است؛ سرمایه انسانی متخصص به عنوان دانش، مهارت، خلاقیت و سلامت فرد تعریف شده است (بکر^۱، ۲۰۰۲). موفقیت جوامع و سازمان‌ها در گروهی سطح بالایی از توانایی‌ها، خلاقیت و دانش افراد است (رستمی حصوری، ۱۳۹۳).

با توجه به حضور گسترده نیروهای افغانستانی در اقتصاد ایران و کسب مهارت‌های مختلف و تشکیل سرمایه انسانی مولد در این تحقیق تلاش داریم تاثیر مهاجرت را بر میزان و اثربخشی مهارت‌های کسب شده بررسی کنیم. در این ارتباط، سوالهای اصلی و فرعی زیر را مطرح و آزمون می‌کنیم:

سوال‌های اصلی: ۱- آیا مهاجرت به کشور ایران روی مهارت‌ها و آموزش‌های کاربردی و قابل استفاده برای مهاجران افغانستان اثر مثبت و معنی‌داری دارد؟ ۲- آیا مهاجرت به ایران روی نرخ اشتغال افراد بازگشت داده شده در کشور افغانستان اثر معنی‌داری دارد؟

سوال‌های فرعی: ۱- آیا بین نوع حرفه مهاجران و میزان درآمد آن‌ها در بازار کار ایران ارتباط وجود دارد؟ ۲- آیا بین قانونی بودن روند مهاجرت نیروی کار افغانستان به کشور ایران و فراگیری آموزش و مهارت ارتباط وجود دارد؟ ۳- آیا بین نوع مهارت فراگیری شده و نیاز به آموزش قبل از مهاجرت برای اینکه در این مهارت‌ها در بازار کار ایران موفق‌تر باشد، ارتباط وجود دارد؟ ۴- آیا داشتن مهارت‌های قبلی مهاجران افغان بر میزان فراگیری مهارت‌ها در کشور ایران اثر معنی‌داری دارد؟ ۵- آیا مهاجرت نیروی کار برای کشور افغانستان درآمدزا است؟ ۶- آیا مهاجران بازگشته از کشور ایران از مهارت و فنی که در دوران مهاجرت آموخته‌اند، رضایت دارند؟ ۷- آیا میزان رضایت مندی از مهاجرت به کشور ایران روی موافقت آن‌ها نسبت به مهاجرت دوباره به ایران موثر است؟

۳- مبانی نظری

بر اساس تئوری سرمایه انسانی «بکر» کسب آموزش سرمایه گذاری محسوب شده و باعث افزایش بهره وری می‌شود (بکر، ۱۹۶۴). در مورد مهاجرت دیدگاه‌های متفاوت وجود دارد؛ نظریه نئو کلاسیک پدیده مهاجرت را در چارچوب عرضه و تقاضای نیروی انسانی بررسی می‌کند. این نظریه با به کار بردن چارچوب عرضه و تقاضا برای نیروی انسانی ادعا می‌کند که پدیده مهاجرت تنظیم کننده نیروی کار است. به عبارت دیگر، به علت تفاوت‌های موجود در عرضه و تقاضای نیروی کار در مناطق مختلف جغرافیایی، بازار کار در یک حالت عدم تعادل به سر می‌برد و مهاجرت یک پدیده تنظیم کننده این بازار است (رحمانی و مظاهری ماری، ۱۳۹۳).

بورجاس^۱ بر اساس مدل هاریس-تودارو^۲ برای مهاجرت داخلی نشان می‌دهد که مهاجرت بین المللی نیز بر اساس محاسبات هزینه و فایده فرد صورت می‌گیرد (بورجاس، ۱۹۸۹). بر اساس نظریه سرمایه گذاری انسانی و هزینه و فایده، تصمیم‌گیری برای مهاجرت نوعی تصمیم به سرمایه گذاری است که در آن شخص مهاجر هزینه و فایده مهاجرت را در نظر می‌گیرد. بدین ترتیب مهاجرت موقعی انجام می‌شود که فایده آن به هزینه‌اش افزون باشد (حاج حسینی، ۱۳۸۵). از منظر نظریه سرمایه انسانی، آموزش عمومی موجد سرمایه عمومی است و آموزش فنی و حرفه‌ای موجد سرمایه اختصاصی است؛ مزیت سرمایه دوم این است که به اتکای مهارت‌های کسب شده دارندگان آن را برای به دست آوردن جایگاه‌های شغلی بیشتر آماده می‌سازد و همین بینش باعث شده که در بیشتر کشورهای جهان حتی در سیستم‌های تعلیم و تربیت آن‌ها از دیر باز در کنار مقاطع تحصیلی آموزش‌های عمومی، آموزش‌های فنی و حرفه‌ای نیز مدنظر قرار گیرد؛ از این رو، نظریه سرمایه انسانی معتقد است که مهاجرت یک فرآیند اقتصادی است، چون نیروی کار مهاجر از مناطقی با بازده نهایی پایین به طرف مناطق با بازده نهایی بالا حرکت می‌کند (شریفی و التجائی، ۱۳۹۶).

طبق تئوری سرمایه انسانی تفاوت در دستمزد ها در بین افراد ناشی از تفاوت در بهره وری به سبب کسب آموزش و یادگیری مهارت و سرمایه گذاری بیشتر در بین آن‌ها است (کاهوک و همکاران^۳، ۲۰۱۴)

1- Borjas

2- Harris-Todaro

3- Cahuc Pierre et al.

۴- پیشینه پژوهش

باین، دوکوییر و راپوپرت^۱ (۲۰۰۱) در مقاله‌ای با عنوان «فرار مغزها و رشد اقتصادی: نظریه و شواهد به جنبه مثبت فرار مغزها در شکل‌گیری سرمایه انسانی و رشد در کشور مبدأ» بیان می‌کنند که در یک اقتصاد ضعیف با ظرفیت ناکافی برای رشد، برگشت سرمایه انسانی کم است و انگیزه کسب تحصیل که ماشین رشد اقتصاد است، کاهش می‌یابد. از این رو، مهاجرت از جایی اتفاق می‌افتد که شکاف تحصیلات در آن بیشتر باشد. برای اثبات چنین ادعایی از میان کشورهای در حال توسعه ۳۷ کشور را انتخاب کرده و با توجه به داده‌های مقطعی رابطه غیرخطی، مثبت و معنی‌داری میان شاخص سرمایه انسانی و مهاجرت را مورد تایید قرار می‌دهد.

لانگ بورگ و ریجی^۲ (۲۰۰۲) در تحقیقی که به بررسی تحرک نیروی کار در اثر ادغام بازارهای نیروی کار کشورهای داوطلب پیوستن به اتحادیه اروپا بر نرخ بازدهی تحصیلات و تشکیل سرمایه انسانی و در نتیجه رشد و رفاه اقتصادی پرداخته‌اند. این تحقیق که با استفاده از مدل‌های رشد گروسمن هلمپن^۳، مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است با مطالعه گروهی از کشورهای داوطلب پیوستن به اتحادیه اروپا به این نتیجه رسیده‌اند که انتظار پیوستن بازار کار کشورهای در حال گذار به بازار کار اتحادیه اروپا، نرخ بازده انتظاری آموزش و از این رو نرخ رشد اقتصادی را در این کشورها افزایش می‌دهد.

براتسبرگ و راگان^۴ (۲۰۰۲) در تحقیقی تحت نام تاثیر آموزش کشور مقصد بر میزان درآمد: مطالعه موردی مهاجران موجود در ایالات متحده آمریکا پرداخته است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد، مهاجرانی که در ایالات متحده آمریکا تحصیلات دانشگاهی را تمام کرده، موقع بازگشت به کشور مبدأ سبب تقویت سیستم آموزش و پرورش می‌شود.

صامت^۵ (۲۰۱۴) در تحقیقی با هدف بررسی انتقال تکنولوژی از طریق نفع مغزها (بازگشت مهاجران و افزایش سرمایه گذاری خارجی) بر رشد اقتصادی تونس با استفاده

1- Bein, Docqier and Rapoport

2- Lund borg and Rechea

3- Groosman Helpman

4- Bratsberg and Ragan

5- Samet

از روش داده‌های تابلویی به این نتیجه رسیده است که مهاجرت به آمریکا و اروپا سبب بهبود وضع اقتصادی تونس از طریق انتقال تکنولوژی در زمان بازگشت به کشور مبدا شده است.

ماریا هگن و واسینک^۱ (۲۰۱۶) در مقاله‌ای تحت عنوان مهارت‌های جدید، شغل‌های جدید: بازگشت مهاجران، انتقال مهارت‌ها و شکل‌گیری کسب و کار در مکزیک پرداخته‌اند. این مقاله به طور مستقیم شکاف موجود بین انتقال سرمایه انسانی غیر رسمی و شانس ایجاد کسب و کار در میان مهاجران که بازگشت می‌کند را مورد توجه قرار می‌دهد. براساس یافته‌های حاصل از بررسی ۲۰۰ مهاجر بازگشتی و ۲۰۰ غیرمهاجر در مکزیک، نتایج تحقیق نشان می‌دهد که افرادی که مهاجرت می‌کنند و موفق به کسب مهارت‌های جدید در دوران مهاجرت می‌شود، اغلب دانش جدید خود را برای راه اندازی کسب و کار در کشور مبدا تحریک می‌کنند.

رحمانی و مظاهری ماربری (۱۳۹۳) در مقاله‌ای به بررسی تاثیر مهاجرت بر انباشت سرمایه انسانی و رشد اقتصادی در کشورهای در حال توسعه (۱۹۷۵-۲۰۰۰) پرداخته‌اند. این تحقیق با استفاده از داده‌های پنل مورد بررسی قرار گرفته است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که چشم‌انداز مهاجرت اثری مثبت و معنی‌داری بر انباشت سرمایه انسانی دارد و خود مهاجرت بالفعل نیز در هر دوره اثر منفی بر انباشت سرمایه انسانی دارد.

۵- آمار مهاجران افغانستان در سطح جهان

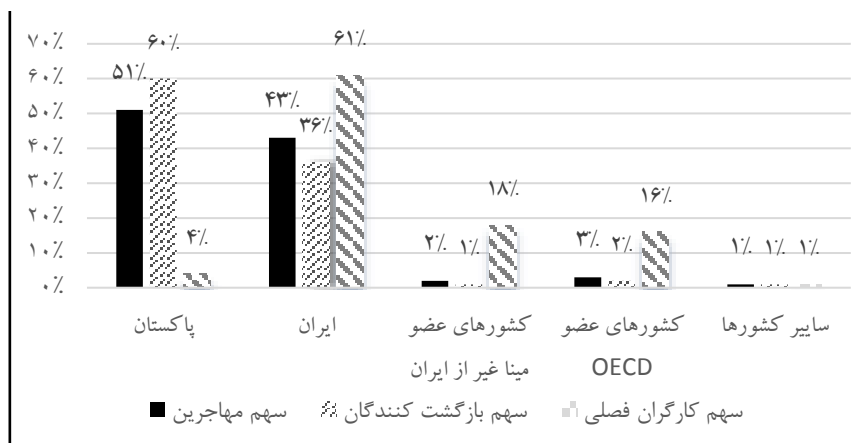
پدیده مهاجرت در سال‌های اخیر با نام افغانستان و مردم آن عجین شده است. بی‌ثباتی سیاسی، بیکاری، فقر، عدم وجود اشتغال، ناامنی، تبعیض، تصور نادرست از کشورهای جهان، بی‌عدالتی، فساد، عدم توجه به متفکران داخلی، عدم توجه به توانایی‌های افراد، عدم حمایت از سرمایه‌گذاری‌های داخلی، پایین بودن توجه به کیفیت تحصیلی و عدم وجود امنیت از جمله عوامل مهمی است که در مهاجرت نیروی کار افغانستان به کشورهای جهان و به خصوص کشور ایران نقش داشته است.

بنا به آمار سال ۱۳۹۷ مجموع مهاجران و پناهندگان افغان در سطح کشورهای جهان ۶/۵ میلیون تن گزارش شده است. که از آن جمله مهاجران دارای مدرک و بدون مدرک

1- Maria Hagan and Wassink

در کشور پاکستان ۲ میلیون و ۴۵۰ هزار تن (شامل: یک میلیون و ۴۰۰ هزار تن به صورت قانونی و ثبت نام شده، ۷۵۰ هزار تن فاقد مدرک ثبت نام و ۳۰۰ هزار تن فاقد هر نوع مدرک) است (وزارت امور مهاجرین و عودت کنندگان افغانستان، ۱۳۹۷). مهاجران دارای مدرک و بدون مدرک در کشور ایران ۲ میلیون و ۴۳۰ هزار تن (شامل: ۹۵۰ هزار تن به صورت قانونی و ثبت نام شده، ۴۵۰ هزار تن دارای پاسپورت فامیلی با اقامت کوتاه مدت، ۳۰ هزار تن دارای اقامت طولانی و یک میلیون نفر فاقد هر نوع مدرک) است. در سایر کشورهای آسیایی ۴۵۱ هزار و ۸۷ مهاجر و پناهجوی افغان زندگی می‌کنند. در کشورهای اروپایی، آمریکا و استرالیا یک میلیون و ۱۵۵ هزار و ۳۲۲ تن حضور دارند که از این تعداد ۵۴۱ هزار و ۹۳۲ تن یا سند پناهندگی دارند و یا تابعیت آن کشورها را دریافت کرده‌اند. همچنین ۶ هزار و ۱۳۳ دیگر تقاضای پناهندگی دارند. میزان بازگشت کنندگان در سال ۲۰۱۷ به ۶۱۹ هزار تن و مجموع بازگشت کنندگان در سال ۲۰۱۹ میلادی به ۳۳۲ هزار و ۴۵۳ تن ثبت شده که ۳۲۰ هزار و ۴۰ تن از کشورهای ایران و پاکستان و باقی از سایر کشورهای جهان به کشور بازگشت کرده‌اند (وزارت امور مهاجرین و عودت کنندگان افغانستان، ۱۳۹۷).

آماري که در گزارشات وزارت امور مهاجرین و عودت کنندگان افغانستان ارائه شده است در سال ۱۳۹۵ حدود ۲ میلیون و ۶۰۰ هزار تن، در سال ۱۳۹۶ حدود ۲ میلیون و ۴۵۰ هزار تن و در سال ۱۳۹۷ حدود ۲ میلیون و ۴۳۰ هزار تن با مدرک و بدون مدرک در کشور ایران زندگی می‌کردند (وزارت امور مهاجرین و عودت کنندگان افغانستان، ۱۳۹۶ و ۱۳۹۷). با توجه به نتایج به دست آمده می‌توان ادعا کرد که همواره بیش از ۱/۵ میلیون مهاجر افغان فاقد مدرک در کشور ایران بسر می‌برد. از نظر جمعیت‌شناسی تقریباً بیش از ۵۰ درصد مهاجران قانونی بین ۲۰ تا ۳۰ سال هستند؛ به همین دلیل می‌توان جامعه مهاجران افغانستان را جامعه جوان تلقی کرد. نمودار (۱) سهم کشورهای مقصد برای مهاجران بین‌المللی افغانستان را نشان می‌دهد.



نمودار ۱- سهم کشورهای مقصد از مهاجران بین‌المللی افغانستان در سال ۱۳۹۶

ماخذ: هولزمن، ۲۰۱۸

۶- بازگشت مهاجران افغان از ایران و سایر کشورهای جهان

بعد از سال ۱۳۸۰، جامعه جهانی به دنبال بازگرداندن صلح و ثبات به افغانستان شد. حضور نیروهای بین‌المللی و کمک‌های خارجی به جنگ داخلی پایان داد. بلافاصله میلیون‌ها پناهنده از ایران و پاکستان و سایر کشورها به وطن خود بازگشتند. روند سیاسی برای خلق و تصویب قانون اساسی به آرامی پیش رفت و برای اولین بار در تاریخ افغانستان انتخابات مردمی برای تعیین ریاست جمهوری برگزار شد. مبالغ زیادی برای بازسازی کشور از سوی جامعه جهانی تعهد داده شد. در سال ۱۳۸۲، توافقنامه سه‌جانبه‌ای در ۲۹ بند بین ایران، افغانستان و کمیساریای عالی پناهندگان سازمان ملل متحد^۲ امضا و طرحی برای بازگشت اختیاری پناهندگان افغانستان از ایران صورت گرفت (عباسی شوازی و دیگران، ۱۳۹۵).

از آغاز کار حکومت وحدت ملی، زمینه بازگشت بیش از ۲/۵۲ میلیون مهاجر و پناهنده به کشور افغانستان فراهم شده است؛ تمامی بازگشت کنندگان دارای مدرک مهاجرت، هنگام بازگشت از کمک حدود ۲۰۰ دلاری کمیساریای عالی سازمان ملل در امور پناهندگان مستفید شده‌اند (وزارت امور مهاجرین و عودت کنندگان افغانستان، ۱۳۹۶).

1- Holzmann

2- United Nation High Commissioner for Refugees (UNHCR)

بنابر گزارش‌های وزارت امور مهاجرین و عودت‌کنندگان از سال ۱۳۸۱ تاکنون تعداد زیادی از مهاجران با مدرک و بدون مدرک از کشور ایران به کشور بازگشته‌اند که در جدول (۱) نشان داده شده است.

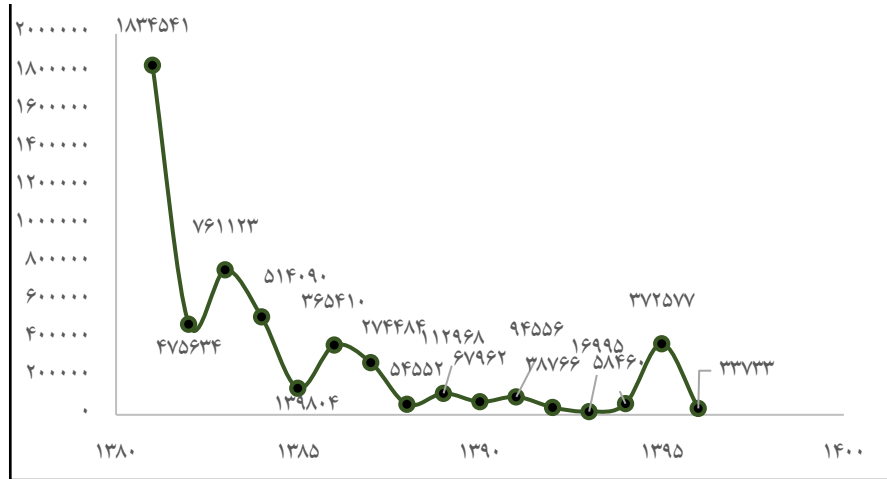
جدول ۱- آمار تخمینی بازگشت‌کنندگان از کشور ایران از سال ۱۳۸۱-۱۳۹۷

سال	دارای مدرک	فاقد مدرک	مجموعاً
۱۳۸۱ تا ۱۳۹۱	۳۰۰۰۰	۲۵۰۰۰۰	۲۸۰۰۰۰
۱۳۹۲	۴۳۸۰۰	۱۵۵۰۰۰	۱۹۸۸۰۰
۱۳۹۳	۱۴۷۶۶	۳۲۴۷۶۶	۳۳۹۵۳۲
۱۳۹۴	۱۰۰۰۰	۵۹۰۰۰۰	۶۰۰۰۰۰
۱۳۹۵	۲۲۵۹	۴۳۶۲۳۶	۴۳۸۴۹۵
۱۳۹۶	۱۲۰۲	۴۶۲۳۶۱	۴۶۳۵۶۳
۱۳۹۷			۵۷۶۸۳۸

ماخذ: کمیته اجرایی عودت‌کنندگان و بی‌جاشدگان افغانستان، ۱۳۹۷

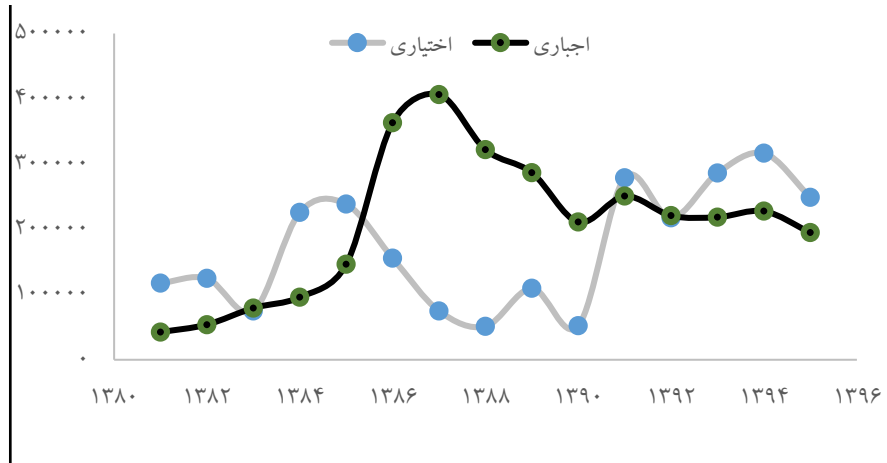
در سال‌های اول روند بازگشت اختیاری به کشور به دلیل سرازیر شدن کمک‌های مالی بین‌المللی بازار کار خوبی برای بازگشت‌کنندگان و غیربازگشت‌کنندگان وجود داشت. از این رو، یکی از عوامل اصلی تمایل به بازگشت در میان افراد، یافتن و جست‌وجوی کار بهتر بود، اما از سال ۱۳۸۵ به بعد، وضعیت امنیتی کشور رو به وخامت گذاشت و گروه‌های مخالف دولت از نو در ولایات حاشیه‌ای کشور قدرت گرفت؛ این وضعیت روی بازگشت پناهندگان تاثیر گذاشت (عباسی‌شوازی و دیگران، ۱۳۹۵).

نمودار (۲) روند بازگشت اختیاری مهاجران را از تمام کشورهای جهان در بازه زمانی ۱۳۸۱-۱۳۹۶ نشان می‌دهد.



نمودار ۲- روند بازگشت اختیاری مهاجران افغان از تمام کشورهای جهان (۱۳۸۱-۱۳۹۶)
 ماخذ: کمیساریای عالی پناهندگان سازمان ملل متحد، ۲۰۱۷

روند بازگشت مهاجران که به صورت اختیاری و اجباری در بازه زمانی ۱۳۸۱-۱۳۹۵ از کشور ایران به افغانستان بازگشته‌اند در نمودار (۳) نشان داده شده است.



نمودار ۳- روند بازگشت اختیاری و اجباری مهاجران افغان از کشور ایران (۱۳۸۰-۹۶)
 ماخذ: کمیساریای عالی پناهندگان سازمان ملل متحد، ۲۰۱۱، ۲۰۱۲ و ۲۰۱۶

بنابر گزارش جدید سازمان بین‌المللی مهاجرت^۱، از اول ژانویه ۲۰۱۸ میلادی تاکنون تعداد ۷۵۲ هزار و ۳۲۵ تن از ایران و پاکستان به افغانستان بازگشته‌اند. مهاجران بازگشته از کشور ایران شامل ۷۲۱ هزار و ۶۳۳ تن است. این آمار در مقایسه با مدت زمان مشابه در سال گذشته حدود ۴۰ درصد افزایش یافته است. از مجموع مهاجران بازگشته در این بازه زمانی تعداد ۱۲ هزار و ۹۶۵ تن بدون اسناد به صورت اختیاری و یا اجباری از کشور ایران از مرز نیمروز (میلک) و هرات (اسلام قلعه) بین ۲۵ نوامبر و اول دسامبر ۲۰۱۸ که حدود ۲۴ درصد کمتر از یک هفته قبل که حدود ۱۷ هزار و ۳۱ تن است، می‌رسد. حدود ۶ درصد (۸۱۷ تن) از مجموع مهاجران بازگشته از کشور ایران در این بازه زمانی از کمک‌های سازمان بین‌المللی مهاجرت مستفید شده‌اند (سازمان بین‌المللی مهاجرت، ۲۰۱۸).

مهاجران افغان در سال‌های گذشته از مرزهای ایران به صورت قانونی و غیرقانونی عبور کرده تا در بازار کار ایران شغل پیدا کرده و از خانواده‌هایشان در افغانستان حمایت کنند، این در حالی است که در سال‌های اخیر بازگشت از کشور ایران به‌طور خاص افزایش بسیار شدیدی نسبت به سال‌های گذشته دارد؛ این وضعیت ناشی از مسائلی سیاسی و اقتصادی در کشور ایران از جمله کاهش ارزش پولی (ایران) است. از آنجا که بیشتر کارگران افغان در کارهای غیررسمی در بازار کار ایران فعالیت دارند در این اواخر تقاضا برای این‌گونه فعالیت‌ها به شدت کاهش یافته است. همچنین بیشتر کارگران افغان به صورت ماهانه، و جوه پولی را برای خانواده‌هایشان به کشور افغانستان می‌فرستند. از این رو، از وضعیت موجود در کشور ایران، بیشتر استان‌های هرات، بادغیس، غور و فراه به‌صورت مستقیم متاثر شده است.

۷- وضعیت بازار کار در افغانستان

تحلیل ارقام سرشماری وضعیت زندگی در افغانستان نشان می‌دهد که بازار کار افغانستان تحت نگرانی قابل ملاحظه‌ای قرار دارد. تقریباً یک چهارم (حدود ۲۴ درصد) نیروی کار افغانستان بیکار هستند. کاملاً درک نادرستی است اگر فکر کنیم که بیکاری علاوه بر اینکه تنها مشکل افغانستان است حتی ممکن است اساسی‌ترین، مشکل بازار کار افغانستان باشد؛ چرا که حداقل یکی از مهم‌ترین مشکلات، کیفیت بسیار ضعیف کار موجود است به طوری که اکثراً بهره‌وری پایین پرداخت پایین را در پی دارد. از مجموع نفوس دارای شغل،

1- International Organization for Migration (IOM)

۲۰ درصد آن‌ها در وضعیت کار ناکافی قرار دارند (نیاز به کار بیشتر دارند). علاوه بر آن، ۸۰ درصد تمام وظایف در ذیل شغل‌های آسیب‌پذیر قرار می‌گیرند که به واسطه خطر عدم مصونیت شغلی و شرایط ضعیف کاری مشخص می‌شود، ۶۷ درصد وظایف در بخش غیرکشاورزی به شکل اشتغال غیررسمی است و تنها ۱۳ درصد نفوس شامل کار در افغانستان را می‌توان به حیث دارندگان شغل مناسب محسوب کرد. فرصت‌های شغلی برای جوانان اندک است به طوری که میزان بیکاری جوانان بسیار زیاد بوده و به ۳۱ درصد می‌رسد. همچنین سطح بیکاری جوانان پسر نسبت به جوانان دختر پیشی گرفته است. عوامل رشددهنده سریع نفوس که همواره در حال افزایش است و دسته‌های نفوس که به سن کار می‌رسند نیز یک فشار مضاعف را بر بازار کار وارد می‌کند. میزان مشارکت عمومی نیروی کار به نسبت پایین و در حد ۵۴ درصد است در حالی که نسبت ملی استخدام بر نفوس ۴۱ درصد است. این ارقام می‌رساند که نسبت به کل نفوس، حجم منابع بشری موجود جهت تولید اجناس و خدمات کوچک بوده و مانع انکشاف اقتصادی بیشتر می‌شود. عامل اساسی که باعث چنین ارقام پایین شده، مشارکت بسیار ضعیف زنان در فعالیت‌های اقتصادی است. اشتغال در بخش زراعت بخش اعظم بازار کار افغانستان را مهار کرده است: ۴۴ درصد تمام اشتغال در بخش زراعت بوده و ۴۳ درصد تمام کارگران، کارگران زراعتی هستند. اشتغال در بخش صنعت به تناسب کل اشتغال در سطح پایین ۱۸ درصد باقی مانده است که نشان می‌دهد گذار به سمت یک اقتصاد پیشرفته و متحرک هنوز هم در مرحله مقدماتی خویش قرار دارد (اداره مرکزی احصائیه، ۱۳۹۵).

۸- روش‌شناسی پژوهش

تحقیق حاضر از نوع کاربردی است، روش انجام تحقیق به صورت میدانی و اسنادی و ابزار جمع‌آوری اطلاعات در این تحقیق، پرسشنامه است. جامعه آماری مورد بررسی، مهاجران بازگشته به افغانستان از کشور ایران در بازه زمانی ۱۳۹۶-۱۳۸۱ است که در این ارتباط پرسشنامه‌ها در بین آنان توزیع و اطلاعات مربوطه جمع‌آوری شده است. البته از اطلاعات وزارت امور مهاجرین و عودت‌کنندگان کشور افغانستان نیز استفاده شده است. در پژوهش حاضر حجم ۴۱۵ تن و روش نمونه‌گیری به صورت تصادفی ساده است. جهت اندازه‌گیری مطلوب بودن سوالات پرسشنامه از معیار آلفای کرونباخ استفاده شده

و مقدار آن ۰/۷ است.

در این تحقیق برای آزمون فرضیه‌های اصلی تحقیق از آزمون t تک نمونه‌ای استفاده شد. برای آزمون فرضیه‌های فرعی تحقیق از جداول توافقی^۱ و برای وجود رابطه از آزمون کای دو^۲ استفاده شد. همچنین برای تخمین تاثیر مهاجرت بر نرخ اشتغال از مدل لاجیت^۳ استفاده شد. در تحلیل داده‌های جمع‌آوری شده نرم‌افزارهای SPSS، STATA، R و EXCEL به کار گرفته شد.

۹- معرفی مدل مورد استفاده در پژوهش

مدل مورد استفاده در این پژوهش به صورت رابطه (۱) تصریح می‌شود:

$$EMS = C + \beta_1 EDLR + \beta_2 SKD_{2i} + \beta_3 SKD_{3i} + \beta_4 SKD_{4i} + \beta_5 SKD_{5i} + \beta_6 AESOD_{6i} + \beta_7 TPID_{7i} + \beta_8 STD_{8i} + U \quad (1)$$

EMS: وضعیت مهاجران بازگشته از کشور ایران در بازار کار افغانستان

EDLR: سطح سواد مهاجران بازگشته از کشور ایران

SKD_{2i}: مهارت فراگیری شده توسط مهاجران در بخش ساختمانی در کشور ایران

SKD_{3i}: مهارت فراگیری شده توسط مهاجران در بخش صنعت در کشور ایران

SKD_{4i}: مهارت فراگیری شده توسط مهاجران در بخش کشاورزی در کشور ایران

SKD_{5i}: مهارت فراگیری شده توسط مهاجران در بخش صنایع دستی در کشور ایران

AESOD_{6i}: مهیا بودن فرصت‌های کسب آموزش و مهارت در کشور ایران

TPID_{7i}: نوع حرفه مهاجران در بازار کار کشور ایران

STD_{8i}: مدت اقامت مهاجران در کشور ایران

U: جمله پسماند

در این مدل EMS متغیر وابسته و دارای دو سطح است؛ صفر: شرایط بیکار بودن و

1- Contingency Table

2- Chi-Square: χ^2

3 -Logit

یک: شرایط اشتغال در بازار کار افغانستان.

۱۰- آمار توصیفی نمونه

متغیرهای استفاده شده در این مدل در این قسمت مورد بررسی قرار می‌گیرد و فراوانی هر کدام بیان می‌شود.

جدول ۲- مشخصات نمونه مورد مطالعه

درصد فراوانی	فراوانی	مشخصه‌های جمعیتی	
۱۵/۲	۶۳	۱۸-۲۰ سال	سن
۳۷/۶	۱۵۶	۲۱-۲۵ سال	
۷۲/۵	۱۱۴	۲۶-۳۰ سال	
۹۱/۷	۸۲	بیشتر از ۳۰ سال	
۹۷/۵	۳۳۰	مرد	جنسیت
۲۰/۵	۸۵	زن	
۴/۵	۱۶۸	مجرد	وضعیت تاهل
۹۵/۵	۲۴۷	متاهل	
۹/۲	۳۸	بیسواد	سطح سواد مهاجران
۲۶/۳	۱۰۹	کمتر از ۱۲ سال	
۳۲	۱۳۳	دیپلم	
۲۹/۶	۱۲۳	لیسانس	
۲/۷	۱۱	فوق لیسانس	
۰/۲	۱	دکتر	
۱۰/۱	۴۲	بیکار	وضعیت شغلی مهاجران
۳۹/۸	۱۶۵	کارگر ساده	
۲۲/۴	۹۳	محصل	
۱۹/۳	۸۰	کارمند دولت	
۸/۴	۳۵	کارمند موسسه	
۱۰۰	۴۱۵	حجم نمونه	

ماخذ: یافته‌های پژوهش

جدول ۳- متغیرهای استفاده شده از پرسشنامه در آزمون فرضیه‌ها

درصد فراوانی	فراوانی	متغیرهای مورد پرسشنامه	
۳۳	۱۳۷	مدت اقامت مهاجران	کمتر از ۵ سال
۲۸	۱۱۷		بین ۵ تا ۱۰ سال
۳۹	۱۶۱		بیشتر از ۱۰ سال
۶۹	۲۸۹	نوع حرفه مهاجران در بازار کار کشور ایران	مزد بگیر
۲۹	۱۲۶		خوداشتغال
۴۹/۶	۲۰۶	میزان درآمد مهاجران در بازار کار کشور ایران	کمتر از ۵۰ هزار تومان
۳۶/۱	۱۵۰		بین ۵۰ تا ۱۰۰ هزار تومان
۹/۲	۳۸		بین ۱۰۰ تا ۱۵۰ هزار تومان
۵/۱	۲۱		بیش از ۱۵۰ هزار تومان
۳۵	۱۴۶	مهارت‌های فراگیری شده توسط مهاجران در بازار کار کشور ایران	ساخت و ساز
۱۱	۴۷		کشاورزی
۲۴	۱۰۰		خدمات
۱۲	۴۹		صنایع دستی
۱۸	۷۳		صنعت
۷۰	۲۹۰	فرصت یا تهدید بودن مهاجرت به کشور ایران	فرصت
۳۰	۱۲۵		تهدید
۱۲/۸	۵۳	انگیزه مهاجرت به کشور ایران	وضعیت زبانی
۵۶/۱	۲۳۳		وضعیت اقتصادی
۱۲/۵	۵۲		آموزش و فناوری
۱۲	۵۰		شغلی و شخصی
۶/۵	۲۷		دلایل دیگر
۵۳/۳	۲۲۱	قانونی بودن مهاجرت به کشور ایران	بلی
۴۶/۷	۱۹۴		خیر
۶۳/۱	۲۶۲	وجه ارسال مهاجران از کشور ایران به افغانستان	بلی
۳۶/۹	۱۵۳		خیر
۴۳/۴	۱۸۰	مهیا بودن کسب آموزش و مهارت در کشور ایران	بلی
۵۶/۶	۲۳۵		خیر
۲۸	۱۱۶	داشتن آموزش فنی و حرفه‌ای مهاجران قبل از مهاجرت شان	بلی
۷۲	۲۹۹		خیر

ماخذ: یافته‌های پژوهش

از میان انگیزه‌های مهاجرتی مطرح شده، انگیزه وضعیت اقتصادی با ۵۶/۱ درصد از کل نمونه انگیزه مهاجرتی با بیشترین فراوانی است. برای تعمیم نتایج به جامعه و بررسی معنی‌داری تفاوت دلیل اقتصادی مهاجران برای مهاجرت از آزمون χ^2 استفاده شده است.

جدول ۴- آزمون معنی‌داری دلیل اقتصادی مهاجرت χ^2

احتمال	درجه آزادی	آماره آزمون
۰/۰۰۰	۴	۴۱۰/۳۴۴

ماخذ: یافته‌های پژوهش

همانطوری که در جدول (۴) نشان داده شده مقدار احتمال کمتر از ۰/۰۵ است که به این معنی است که در سطح خطای ۵ درصد اختلاف معنی‌داری بین دلیل اقتصادی مهاجرت و دلایل دیگر مهاجرت وجود دارد.

۱۱- آزمون فرضیه‌ها

یکی از وظایف هر تحقیق، آزمون فرضیه‌های است که آن تحقیق بر آن استوار است. در این تحقیق به بررسی تاثیر مهاجرت بر آموزش و مهارت‌های کاربردی نیروی کار افغانستان طی سال‌های ۱۳۹۶-۱۳۸۱ پرداخته شده و در ادامه به بررسی آزمون فرضیه‌ها و نتایج این آزمون‌ها پرداخته شده است.

۱۱-۱- نتایج آزمون پژوهش

فرضیه اول: مهاجرت به کشور ایران روی مهارت‌ها و آموزش‌های کاربردی و قابل استفاده برای مهاجران افغانستان اثر مثبت و معنی‌داری دارد.

همان‌طور که در جدول (۵) مشاهده می‌شود با توجه به اینکه مقدار احتمال کمتر از ۰/۰۵ بوده و در سطح خطای ۵ درصد است، فرضیه کاربردی بودن مهارت‌ها و آموزش‌های فراگرفته شده توسط مهاجران افغانستان در بازار کار کشور ایران پذیرفته می‌شود.

جدول ۵- نتایج آزمون t تک‌نمونه‌ای

فاصله اطمینان ۹۵ درصد	احتمال	درجه آزادی (df)	آماره t
۰/۲۴	۰/۰۰۰	۴۱۴	۷/۹۷۷

ماخذ: یافته‌های پژوهش

فرضیه دوم: مهاجرت به کشور ایران روی نرخ اشتغال افراد بازگشت داده شده در کشور افغانستان اثر معنی داری دارد.

جدول ۶- نتیجه مدل لاجیت

P>z	Z	Std. Err.	Coef.	Variable
۰/۰۰۰	-۸/۲۱	۰/۶۵۱۵	-۵/۳۴۷۰	C
۰/۰۰۰	۷/۸۷	۰/۳۵۳۰	۱/۳۸۳۰	EDLR
۰/۰۰۰	-۳/۶۸	۰/۳۵۳۰	-۱/۳۰۰	SKD _{2i}
۰/۰۰۲	-۳/۰۹	۰/۴۰۲۴	-۱/۲۴۵۵	SKD _{3i}
۰/۰۰۷	-۲/۷۱	۰/۵۰۳۰	-۱/۳۶۴۸	SKD _{4i}
۰/۰۰۵	-۲/۷۹	۰/۴۴۸۱	-۱/۲۵۱۱	SKD _{5i}
۰/۰۲۵	۲/۲۴	۰/۲۶۵۸	۰/۵۹۹۳	AESO
۰/۰۳۸	۲/۰۸	۰/۲۶۹۳	۰/۵۵۹۳	TPI
۰/۰۳۲	۲/۱۵	۰/۲۹۱۳	۰/۶۲۵۵	ST

ماخذ: یافته‌های پژوهش

مقدار χ^2 در این تابع ۱۳۳/۲۸ بوده و از لحاظ آماری معنی دار است. از این رو، می‌توان گفت که متغیرهای این تابع از لحاظ آماری قابل اتکاء است.

در جدول ۶ نتایج مدل نشان می‌دهد تمام ضرایب از لحاظ آماری معنی دار هستند. در قسمت تفسیر نتایج می‌توان گفت، در صورت ثابت بودن سایر عوامل یک واحد افزایش در میزان سطح سواد در دوران مهاجرت منجر به احتمال ۲/۲۴۲ درصد شانس شاغل شدن در بازار کار افغانستان می‌شود. در قسمت تفسیر مهارت فراگیری شده می‌توان اظهار کرد که تمام مهارت‌های فراگیری شده از لحاظ آماری معنی دار بوده، اما اثر منفی روی میزان شاغل شدن در بازار کار افغانستان دارد؛ این مورد می‌تواند ناشی از بالا بودن نرخ بیکاری بالای ۲۰ درصد در بازار کار افغانستان باشد. فرصت آموزش و مهارت در بازار کار ایران از لحاظ آماری معنی داری بوده و در صورت ثابت بودن سایر شرایط یک واحد افزایش در میزان فرصت‌های آموزش و مهارت در کشور ایران موجب ۰/۵۹۹ افزایش در احتمال استخدام در بازار کار افغانستان می‌شود. نوعی حرفه مهاجران در بازار کار ایران از لحاظ آماری معنی دار بوده و در صورت ثابت بودن سایر شرایط یک واحد افزایش در نوع حرفه موجب ۰/۵۵۹ افزایش در احتمال استخدام در بازار کار افغانستان می‌شود. همچنین مدت

اقامت مهاجران در بازار کار ایران از لحاظ آماری معنی‌دار بوده و یک واحد افزایش در مدت اقامت در کشور ایران سبب احتمال ۰/۶۲۵ درصد برابر شدن شانس استخدام در بازار کار ایران می‌شود.

با توجه به اثر نهایی مدل لاجیت مشخص می‌شود که همه متغیرها به صورت یکجایی سبب بالا رفتن احتمال ۰/۱۹۲ درصد شانس استخدام در بازار کار افغانستان می‌شود. همچنین با توجه به اینکه p-value همه متغیرها کمتر از سطح خطایی ۵ درصد است، فرضیه پژوهشی مبنی بر اینکه مهاجرت به ایران روی نرخ اشتغال افراد بازگشت داده شده در کشور افغانستان اثر معنی‌داری دارد، مورد تایید قرار می‌گیرد.

۱۱-۲- نتایج آزمون پژوهش

فرضیه اول: بین نوع حرفه مهاجران و میزان درآمد آن‌ها در بازار کار ایران ارتباط وجود دارد. همان‌طور که در جدول (۷) مشاهده می‌شود با استفاده از آزمون کای-دو، مقدار احتمال کمتر از ۰/۰۵ است که بدین معنی است که در سطح خطای ۵ درصد بین دو متغیر نوع حرفه و میزان درآمد ارتباط وجود دارد.

جدول ۷- نتیجه آزمون همبستگی

احتمال	درجه آزادی	آماره پیرسون-کای دو
۰۰/۰۰۰۰۰	۳	۲۷/۵۷۹

ماخذ: یافته‌های پژوهش

فرضیه دوم: قانونی بودن روند مهاجرت به کشور ایران بر فراگیری مهارت‌ها و آموزش‌های نیروی کار افغانستان تاثیر دارد.

همان‌طور که از جدول (۸) مشخص است با توجه به مقدار احتمال کمتر از ۰/۰۵ بوده و $\chi^2 = ۴/۲۴۰$ در سطح خطای ۵ درصد است، همبستگی بین دو متغیر مبنی بر تاثیرگذار بودن مهاجرت قانونی بر افزایش مهارت‌ها و آموزش نیروی کار افغانستان در بازار کار ایران معنی‌دار است.

جدول ۸- نتیجه آزمون همبستگی

احتمال	درجه آزادی	آماره پیرسون-کای دو
۰/۰۳۹	۱	۴/۲۴۰

ماخذ: یافته‌های پژوهش

فرضیه سوم: بین نوع مهارت فراگیری شده و نیاز به آموزش قبل از مهاجرت برای اینکه در این مهارت‌ها در بازار کار ایران موفق‌تر بود، ارتباط وجود دارد.

جدول ۹- نتیجه آزمون همبستگی

احتمال	درجه آزادی	آماره پیرسون-کای دو
۰/۱۵۶	۴	۶/۶۴۴

ماخذ: یافته‌های پژوهش

همان‌طور که در جدول (۹) مشاهده می‌شود مقدار احتمال کمتر از ۰/۰۵ و $\chi^2 = 6/644$ در سطح خطای ۵ درصد است که بیانگر آن است که همبستگی بین دو متغیر نیاز به آموزش قبل از مهاجرت در کشور مبدا به منظور موفق بودن در بازار کار کشور مقصد، رابطه معنی‌داری وجود ندارد.

فرضیه چهارم: داشتن پیشینه مهارتی روی نوع مهارت فراگیری شده توسط مهاجران افغان در بازار کار ایران اثرگذار است.

جدول ۱۰- نتیجه آزمون همبستگی

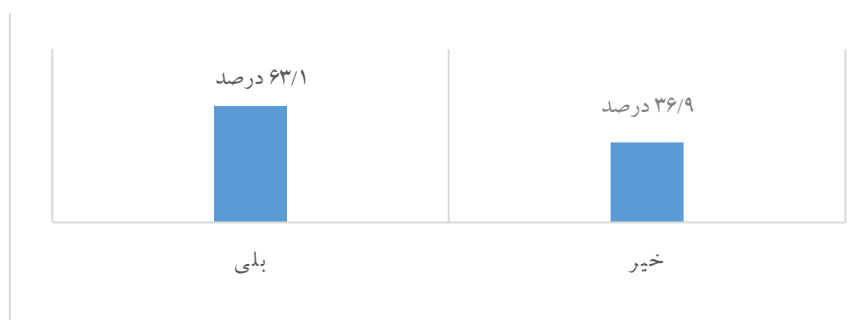
احتمال	درجه آزادی	آماره پیرسون-کای دو
۰/۲۶۸	۴	۵/۱۹۲

ماخذ: یافته‌های پژوهش

همان‌طور که در جدول (۱۰) مشاهده می‌شود مقدار احتمال کمتر از ۰/۰۵ و $\chi^2 = 5/192$ در سطح خطای ۵ درصد است که بیانگر آن است که همبستگی معنی‌داری بین دو متغیر پیشینه مهارت قبل از مهاجرت و زمینه مهارت فراگیری شده در بازار کار ایران، وجود ندارد.

فرضیه پنجم: مهاجرت برای کشور افغانستان درآمدزا بوده است. بنا بر آمار و یافته‌های اداره مرکزی احصائیه افغانستان، وجوه ارسالی توسط کارگران مهاجر افغان از خارج از کشور به خانوارهایشان سالانه، حدود ۱/۷ درصد تولید ناخالص ملی کشور است. همچنین به دلیل این که کارگران از راه‌های غیررسمی (سیستم حواله پول) بیشتر استفاده می‌کنند، ممکن است اداره احصائیه مرکزی افغانستان این رقم را پایین‌تر از ارزش واقعی آن برآورد کرده باشد (بانک جهانی، ۲۰۱۸).

با توجه به آمار فوق فرضیه مبنی بر درآمدزا بودن مهاجران برای کشور افغانستان را با توجه به اطلاعات پرسشنامه از دو جهت مورد بررسی قرار دادیم. ابتدا فرضیه فوق را با توجه به وجوه ارسالی توسط مهاجران به کشور افغانستان مورد بررسی قرار می‌دهیم. نمودار (۴) سهم افراد در نمونه را که دارای وجوه ارسالی به کشور بوده، نشان می‌دهد.



نمودار ۴- وجوه ارسالی توسط مهاجران

ماخذ: یافته‌های پژوهش

جدول ۱۱- نتیجه آزمون کای دو

آماره کای دو	درجه آزادی	احتمال
۲۸/۶۲۹	۱	۰/۰۰۰

ماخذ: یافته‌های پژوهش

همان‌طور که در نمودار (۴) مشاهده می‌شود، ۶۳/۱ درصد مهاجران بازگشته از ایران اظهار کرده‌اند که وجوه را به کشور افغانستان ارسال می‌کردند. همچنین با توجه به آزمون کای دو مقدار احتمال کمتر از ۰/۰۵ است در سطح خطای ۵ درصد مهاجرت باعث ورود

پول به اقتصاد کشور افغانستان شده و در نتیجه مهاجران برای کشور افغانستان درآمدزا هستند، تایید می‌شود.

فرضیه ششم: مهاجران بازگشته از کشور ایران از مهارت و فنی که در دوران مهاجرت آموخته‌اند، رضایت دارند.

جدول ۱۲- آزمون t تک نمونه‌ای

Test Value = ۲/۵				
آماره t	درجه آزادی (df)	احتمال	فاصله اطمینان ۹۵ درصدی	
۶/۹۲۱	۴۱۴	۰/۰۰۰	۰/۲۳	۰/۴

ماخذ: یافته‌های پژوهش

همان‌طور که در جدول (۱۲) مشاهده می‌شود مقدار احتمال کمتر از ۰/۰۵ است؛ از این رو، فرضیه پژوهشی مبنی بر رضایت مهاجران از مهارت و فنی که در دوران مهاجرت به کشور ایران آموخته‌اند، تایید می‌شود.

فرضیه هفتم: رضایت از مهاجرت به کشور ایران روی موافقت آن‌ها نسبت به مهاجرت دوباره به ایران موثر است.

جدول ۱۳- نتیجه آزمون همبستگی

آماره پیرسون-کای دو	درجه آزادی	احتمال
۹/۰۴۵	۱	۰/۰۰۳

ماخذ: یافته‌های پژوهش

همان‌طور که در جدول (۱۳) مشاهده می‌شود مقدار احتمال کمتر از ۰/۰۵ است و $\chi^2 = ۹/۰۴۵$ در سطح خطای ۵ درصد است که بیانگر آن است که همبستگی معنی‌داری بین دو متغیر رضایت از مهاجرت به ایران و تصمیم به مهاجرت دوباره به ایران وجود دارد، موافقت با مهاجرت دوباره به ایران تایید می‌شود.

۱۲- جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل داده‌های پرسشنامه و مطالعات انجام شده حاکی از آن است که مهاجرت به کشور ایران بر آموزش و مهارت‌های نیروی کار افغانستان اثر مثبت و معنی‌داری داشته است؛ از این رو، فرضیه اصلی اول تحقیق تایید می‌شود.

نتایج آزمون مدل لاجیت نشان می‌دهد سطح سواد مهاجران بازگشته از کشور ایران، مهارت فراگیری شده در بخش‌های ساختمان، صنعت، کشاورزی، صنایع دستی، مهیا بودن فرصت‌های کسب آموزش و مهارت در کشور ایران برای مهاجران، نوع حرفه مهاجران در بازار کار کشور ایران، مدت اقامت مهاجران در کشور ایران بر نرخ اشتغال مهاجران بازگشته از کشور ایران در بازار کار کشور افغانستان اثری معنی‌داری دارد؛ از این رو، فرضیه اصلی دوم تحقیق مورد تایید قرار می‌گیرد.

نتایج تحقیق نشان می‌دهد که نوع حرفه اکثر مهاجران افغانستان در بازار کار کشور ایران از نوع مزدبگیر بوده که میزان درآمد آن‌ها نسبت به افراد خود اشتغال‌زا در بازار کار به مراتب پایین‌تر است و از لحاظ آماری بین درآمد مهاجران و نوع حرفه آنان رابطه معنی‌داری وجود دارد. از دید مهاجران بازگشته، مهاجرت آن‌ها به کشور ایران فرصت بوده که بیشتر از فرصت‌های کسب درآمد پولی، کسب مهارت‌های فنی در بازار کار و فرصت کسب آموزش و سواد استفاده کرده و از لحاظ آماری معنی‌دار است.

در نمونه مورد مطالعه ۴۶/۷ درصد مهاجران بازگشته به شکل غیرقانونی در بازار کار کشور ایران فعالیت داشته‌اند. همچنین بین روند مهاجرت قانونی و فراگیری آموزش و مهارت رابطه معنی‌داری وجود دارد و فرصت‌های آموزش و مهارت برای مهاجرانی که به صورت قانونی مهاجرت کرده‌اند بیشتر مهیا بوده است.

نتایج تحقیق نشان می‌دهد مهاجرت به کشور ایران برای مهاجران افغانستان درآمدزا بوده و همه ساله مبالغ پولی قابل توجهی^۱ را به کشور خود ارسال می‌کنند. همچنین اکثر مهاجران از مهارتی که در دوران مهاجرت آموخته‌اند، رضایت داشته و تمایل دوباره به مهاجرت به کشور ایران را دارند که از لحاظ آماری معنی‌دار است.

با اطلاعاتی که از این تحقیق به دست آمده موارد زیر را می‌توان مورد توجه قرار داد:

۱- در این خصوص رقم دقیقی یافت نشد.

۱- مهاجرین دارای مهارت‌های مرتبط با بازار کار ایران به راحتی و از ابتدا امکان به دست آوردن شغل مرتبط را خواهند داشت. بنابراین، با به اشتراک گذاردن این اطلاعات و نیز با کسب آموزش مهارتی مرتبط، قبل از مهاجرت به ایران امکان کسب درآمد برای ایشان افزایش می‌یابد.

۲- با توجه به آثار مثبت مهاجرت در کسب مهارت و در نتیجه کسب درآمد، پیشنهاد می‌شود با شناسایی فرصت‌های شغلی از طرف نیروی کار ایرانی، جایگزینی با نیروی کار ایرانی صورت گیرد.

۳- با توجه به مهارت‌های کسب شده در دوران مهاجرت انتظار بر این است که نیروی کار برگشته بتواند کسب و کار خود را راه بیندازد. بنابراین، تسهیل فضای کسب و کار در کشور افغانستان می‌تواند بر سرعت شکل‌گیری کسب و کارهای جدید بیفزاید.

منابع

- پژمان، اسدالله (۱۳۹۴). روایت بازگشت (نگاهی به وضعیت بازگشت کنندگان در افغانستان). کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان، ۶۶-۲.
- جوادی، رمضان علی (۱۳۹۵). پیامدهای مهاجرت نیروی انسانی متخصص افغان‌ها به خارج از کشور. تهران: تمدن اسلامی، ۱۶۸-۱۴۵.
- حاج حسینی، حسین (۱۳۸۵). سیری در نظریه‌های مهاجرت. فصلنامه راهبرد، شماره ۴۱، ۴۶-۳۵.
- رحمانی، تیمور و مظاهری‌ماربری، مرتضی (۱۳۹۳). بررسی تاثیر مهاجرت بر انباشت سرمایه انسانی و رشد اقتصادی در کشورهای در حال توسعه (۱۹۷۵-۲۰۰۰). فصلنامه علمی تحقیقی، تحقیق‌های رشد و توسعه اقتصادی، شماره ۱۷، ۷۴-۶۲.
- رستمی، هانی (۱۳۹۴). آثار مهاجرت نیروی کار متخصص بر بازار کار. ماهنامه اجتماعی، اقتصادی، علمی و فرهنگی، شماره ۱۹۰، ۵۷-۴۹.
- سازمان بین‌المللی مهاجرت، گزارش سازمان بین‌المللی مهاجرت از افزایش بازگشت روند بازگشت مهاجران افغان از کشور ایران، سازمان بین‌المللی مهاجرت، ۱۳۹۷.
- شریفی، نرگس و التجائی، ابراهیم (۱۳۹۶). رابطه مهاجرت ورودی و خروجی کل و تحصیل کرده‌ها با رشد اقتصادی: مطالعه میان‌کشوری. اقتصاد تطبیقی، شماره ۱، ۱۳۴-۱۱۵.
- عباسی شوازی، محمدجلال، صادقی، رسول و محمدی، عبدالله (۱۳۹۵). ماندن یا مهاجرت دوباره مهاجران بازگشته افغانستان از ایران به کشورشان و عوامل تعیین‌کننده آن، نامه انجمن جمعیت شناسی ایران، دوره ۱۱، شماره ۲۱، ۳۹-۱۱.
- عیسی‌زاده، سعید و مهرانفر، جهانبخش (۱۳۹۲). بررسی تاثیر مهاجرت بین‌المللی بر سطح اشتغال و دستمزد مورد مطالعه اقتصاد ایران. مجله تحقیقات اقتصادی، دوره ۴۸، شماره ۲، ۱۱۱-۱۳۰.
- کریمی موغاری، زهرا (۱۳۸۳). تاثیر مهاجران افغانی بر سطح دستمزد و اشتغال در ایران. پژوهش‌های اقتصادی ایران، دوره ۶، شماره ۱۸، ۵۷-۸۸.
- وزارت امور مهاجرین کشوافغانستان، گزارش تعداد مهاجران بازگشته از کشور ایران (۱۳۸۱-۱۳۹۶). کمیته اجرایی عودت کنندگان و بیجاشدگان، ۱۳۹۷.
- وزارت امور مهاجرین کشور افغانستان، گزارش وزارت امور مهاجرین و عودت کنندگان

- افغانستان (۱۳۹۶). آمار تعداد مهاجران و پناجویان افغان در سطح کشورهای جهان. وزارت امور مهاجرین کشور افغانستان، گزارش وزارت امور مهاجرین و عودت کنندگان افغانستان (۱۳۹۷). آمار تعداد مهاجران و پناجویان افغان در سطح کشورهای جهان.
- Asghari Jafarabadi, M. & Mohammadi, S. (2013). Statistical series: An introduction to inferential statistical (point estimation, confidence interval and hypothesis testing). *Journal of Diabetes and Metabolic Discover*, under press in Persian. *Bank*, 1-3.
- Basilio, L. & Bauer, T. (2010). Transferability of human capital and immigrant assimilation: An analysis for Germany. *Discussion Paper*, (4716), 1-33.
- Becker, G. S. (2002). The age of human capital. Education in the twenty-first century, https://www.hoover.org/sites/default/files/uploads/documents/0817928928_3.pdf f 3-8.
- Beine, M., Docquier, D. & Rappaport, H. (2008). The brain drain and human capital formation in developing countries: winners and losers. *The Economic Journal*, 14, 631-652.
- Beine, M., Docquier, F. & Rapoport, H. (2001). Brain drain and economic growth. *Journal of Development Economics*, 64(1), 275-289.
- Borjas, G. J. (1989). Economic theory and international migration. *International Migration Review*, 23(3), 457-485.
- Bratsberg, B. & Ragan, J. F. (2002). The impact of host-country schooling on earnings: A study of male immigrants in the United States. *Journal of Human Resources*, 37(1), 63-105.
- Cahuc, P., Carcillo, S., & Zylberberg, A. (2014). *Labor economics*. MIT press, p 208.
- Holzmann, R. (2018). Managed labor migration in Afghanistan: Exploring employment and growth opportunities for Afghanistan. *Working Paper*, 1(122987), 1-90.
- Lundborg, P. & Rechea, C. (2002). Will Transition countries benefit or lose from the brain drain? *Fief Working Paper*, (187), 1-21.
- Maria Hagan, J. & Wassink, J. (2016). New skills, new jobs: return migration, skill transfers, and business formation in Mexico. *Social Problems*, 63(4), 513-533.
- Samet, K., (2014). Brain gain, technology transfer and economic growth: case of Tunisia, *International Journal of Economics and Finance*, 6(9), 57-72.
- www.iom.com, 2017-2018
- www.unhcr.com, 2017